



The Requirements of Health-Oriented Criminal Law Responses to Potentially Risky Behaviors

Amir Irani^{1*}, Hediye Gholamrezaei Azad²

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Islamshahr Branch, Lecturer of Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Today, with the increasing behavior of behaviors that endanger human health, some penal systems, including Iran, with the aim of increasing the preventive function of regulations in society, have declared behaviors criminal and punishable, which are still the result of They do not happen and they are only likely to be dangerous to the health of the community and the environment, but these criminal law responses must be bound by principles and criteria so that while being appropriate to risky behaviors against human health, they can also be effective in practice. In this regard, while addressing the basic questions regarding the principles, policies and types of appropriate criminal response, the pathology of Iranian criminal law in various health-related regulations will be addressed. Accordingly, in order to create safe societies, the response attitude can be prioritizing non-criminal responses to risky behaviors towards health, meaning trying to compensate the victims, restoring the status quo and also observing the proportion between the severities of the crime. A crime against health with a criminal or non-criminal response, to anticipate differential punishments for these behaviors. Obviously, the importance of human health requires comprehensiveness and central rationality in determining the criminal response, and in the light of this proposal, health-oriented regulations should be selected in the selection of types of punishment, the probability of harm to health and accordingly the differential punishment in Propose regulations and these punishments should have a compensatory and preventive aspect.

Method: The method used in the present research is descriptive-analytical and data collection was done with library documentation tools.

Ethical Considerations: In all stages of the current research, the authors have tried to observe scientific honesty and original references.

Results: In order to create safe societies, the attitude of response can be given priority to non-criminal responses to risky behaviors towards health, which means paying attention to compensation for the victims, restoring the situation to the previous state, and also respecting the proportionality between the severity of the crime committed against health and the criminal response. or non-criminal, to predict differential punishments for these behaviors

Conclusion: It is obvious that the importance of human health requires comprehensiveness and rationality in determining the criminal response, and in the light of this proposal, health-oriented regulations should be used in the selection of types of punishment.

Keywords: Human Health; Risky Behaviors; Criminal Law; Accountability

Corresponding Author: Amir Irani; **Email:** irani.amir66@gmail.com

Received: September 17, 2020; **Accepted:** May 06, 2021; **Published Online:** August 24, 2022

Please cite this article as:

Irani A, Gholamrezaei Azad H. The Requirements of Health-Oriented Criminal Law Responses to Potentially Risky Behaviors. *Medical Law Journal*. 2022; 16(57): e14.



بایسته‌های پاسخ‌دهی حقوق کیفری سلامت‌مدار به رفتارهای احتمالی مخاطره‌زا

امیر ایرانی^{۱*}، هدیه غلامرضایی آزاد^۲

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اسلام‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امروزه با افزایش روزافزون رفتارهایی که سلامت انسان‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهند، برخی از نظام‌های کیفری، از جمله ایران، با هدف افزایش کارکرد پیشگیرانه مقررات در جامعه، رفتارهایی را جرم و دارای مجازات اعلام کرده‌اند که هنوز نتیجه‌ای از آن‌ها حادث نشده و صرفاً احتمال مخاطره‌آمیز بودن آن‌ها نسبت به سلامت جامعه و محیط زیست می‌رود، اما این پاسخ‌های حقوق کیفری بایستی مقید به اصول و معیارهایی باشد تا در عین رعایت تناسب با رفتارهای مخاطره‌آمیز علیه سلامت انسان، بتوانند در عمل نیز مؤثر واقع گردند. در این راستا، ضمن پرداختن به سؤال‌های اساسی ناظر به اصول، سیاست‌ها و گونه‌های پاسخ متناسب کیفری، به آسیب‌شناسی حقوق کیفری ایران در مقررات مختلف مرتبط با سلامت پرداخته خواهد شد.

روش: روش به کاررفته در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات با ابزار اسنادی کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل پژوهش حاضر نویسندگان تلاش نموده‌اند تا صداقت علمی و ارجاعات توأم با اصالت را رعایت نمایند.

یافته‌ها: در جهت ایجاد جوامع ایمن، نگرش پاسخ‌گذاری می‌تواند با اولویت بخشی به پاسخ‌های غیر کیفری به رفتارهای مخاطره‌زا نسبت به سلامت به معنای اهتمام به جبران خسارت بزه‌دیدگان، اعاده وضع به حالت سابق و همچنین رعایت تناسب میان شدت جرم ارتكابی علیه سلامت با پاسخ کیفری یا غیر کیفری، نسبت به پیش‌بینی کیفرهای افتراقی نسبت به این رفتارها اقدام نماید.

نتیجه‌گیری: بدیهی است که اهمیت سلامت انسان‌ها مستلزم جامعیت‌داشتن و عقلانیت‌محوری در تعیین پاسخ کیفری است و در پرتو این پیشنهاد، مقررات سلامت‌مدار می‌بایست در انتخاب گونه‌های کیفر، احتمال وقوع آسیب به سلامت را محاسبه و به تناسب آن کیفر افتراقی را در مقررات پیشنهاد کنند و این کیفرها از جنبه جبرانی و پیشگیرانه برخوردار باشد.

واژگان کلیدی: سلامت انسان؛ ریسک؛ رفتارهای مخاطره‌زا؛ حقوق کیفری؛ پاسخ‌دهی

نویسنده مسئول: امیر ایرانی؛ پست الکترونیک: irani.amir66@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Irani A, Gholamrezaei Azad H. The Requirements of Health-Oriented Criminal Law Responses to Potentially Risky Behaviors. *Medical Law Journal*. 2022; 16(57): e14.

مقدمه

در حال حاضر از جمله اولویت‌ها و دغدغه‌های اساسی حقوق کیفری، پاسخ متناسب با رفتارهای مخاطره‌آمیزی است که می‌توانند ضمن نقض الزامات زیستی، ایمنی و بهداشتی تهدیدکننده سلامت انسان‌ها در آینده باشند (۱). بر این اساس، با دغدغه جامعه ایمن (Safe Society) و اهمیت تأمین آن از یکسو و همچنین گسترش مصادیق ریسک‌ها و مخاطراتی که حیات سالم انسان‌ها را تهدید می‌کند رویکردها، اصول و مصادیق پاسخ‌های قابل طرح در حوزه سیاست کیفری ممکن است با تغییراتی مواجه شود و یا نیازمند تغییراتی باشد (۲-۳)، لذا دولت و نظام قضایی در راستای پیشگیری از رفتارهای تهدیدآمیز علیه سلامت انسان‌ها و کاهش بیماری و تلفات مختلف آسیب‌زا بایستی از حقوق کیفری سنتی و پاسخ‌های نامتناسب دست برداشته و حقوق کیفری نوینی را در برابر این رفتارهای نوین تهدیدآمیز به کار بسته و حقوق خود را به روز سازد. در ماده ۲۲ از قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ نیز مشاهده می‌شود که به موجب آن «اشخاصی که مانع اجرای مقررات بهداشتی می‌شوند یا در اثر غفلت باعث انتشار یکی از بیماری‌های واگیر می‌شوند به هشت روز تا دو ماه حبس تأدیبی و ۵۱ تا ۵۰۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر محکوم می‌شوند.» بر این مبنا، غفلت عاملی برای کاهش حداقل میزان مجازات این جرم در مقایسه با مواردی است که شخص تعمداً اقدام به انتشار بیماری می‌نماید. بدیهی است که در این مصادیق، انتشار مقدمه بیمارشدن است و جرم‌بودن این رفتار فارغ از نتیجه بیماری است.

گسترده‌گی بزه‌دیدگی در اثر تجارت چشم‌گیر محصولات تراریخته در جامعه مخاطره‌آمیز مصادیق مهم دیگری از رفتارهای مخاطره‌زا را سبب شده است که هرچند برخی کشورها با توجه به خطرات محصولات تراریخته استفاده از این محصولات را ممنوع کرده‌اند، اما در نظام حقوقی ایران استفاده از آن‌ها نه تنها ممنوع نیست، بلکه قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸ در ماده ۶ با یک

جرم‌انگاری متفاوت وقوع خسارت و ضرر را شرط پاسخ کیفری دانسته و به همین دلیل جبران آن‌ها در عداد پاسخ‌های به این جرم پیش‌بینی شده است، اما در قانون ممنوعیت تبلیغات و معرفی محصولات و خدمات غیر مجاز و آسیب‌رسان به سلامت در رسانه‌های ارتباط جمعی داخلی و بین‌المللی و فضاهای مجازی مصوب ۱۳۹۷، تمام جرائم این قانون و همچنین وظایف نهادهای مرتبط با هدف کاهش احتمال مخاطرات سلامت‌مدار و قبل از وقوع نتیجه بوده است و ماده ۱ این قانون در راستای تعیین پاسخ‌های کیفری دامنه قابل توجهی را از حبس، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و همچنین جبران خسارت را پیش‌بینی نموده است یا در مثال دیگر قانونگذار در قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی کشور مصوب ۱۳۹۶ مجلس شورای اسلامی و مصوب ۱۳۹۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مخاطره‌آمیزبودن یک رفتار برای امنیت غذایی و زیست محیطی را عاملی در جهت تشدید مجازات‌های آن رفتار که یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه ۴ خواهند بود، تعیین کرده است. علاوه بر این سه قانون، در مقررات مختلف دیگری، از جمله قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶، قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶، قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸، اخیراً قانونگذار به رفتارهای احتمالی مخاطره‌زا نسبت به سلامت شهروندان توجه نموده است، اما رویکرد قانونگذار در محور پاسخ‌گذاری کیفری نیازمند ارزیابی مبنایی و بحث است، لذا از این حیث سؤال مهم این مقاله آن است که آیا قانونگذار کیفری ایران، توانسته است با وضع پاسخ‌های کیفری نسبت به رفتارهای خطرناک علیه سلامت انسان دغدغه و نیاز جامعه در رابطه با سلامتی را تأمین کنند یا خیر؟ زیرا بایستی نتیجتاً حقوق کیفری سلامت‌مدار بتواند به این سؤال مبنایی پاسخ دهد که آیا توانسته است به دلهره‌های ایمنی و سلامت مدار شهروندان پاسخ دهد یا خیر، و این امر ریشه در بررسی پاسخ‌هایی دارد که در مقررات نسبت به رفتارهای دارای تهدید احتمالی نسبت به سلامت و ایمنی پیش‌بینی شده است. همچنین در رابطه با آن دسته از ریسک‌ها و رفتارهای مخاطره‌آمیزی که سلامت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، جهت‌گیری پاسخ کیفری

پاسخ‌های کیفری به رفتارهای خطرناک علیه سلامت انسان‌ها، اصولی به شرح ذیل باید مقدم بر تمام ابعاد تعیین پاسخ نسبت به این رفتارهای تهدیدکننده سلامت مورد توجه قانونگذار قرار گیرد.

۱-۱. رعایت اصل احتیاط در پاسخ‌گذاری: اگرچه این اصل برای نخستین بار در کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات آب و هوایی آتلانتیک شمالی مد نظر قرار گرفته است، اما توجه مفهوم و عملیاتی بدان چندان صورت نگرفته است (۵). اصل احتیاط نوعی اقدام پیش‌دستانه قانونگذاران با هدف پیشگیری از رخداد خطرات احتمالی نسبت به سلامت و بهداشت محیط قلمداد شود. به تعبیری دیگر، اصل احتیاط ترجمان دغدغه پیشگیری از جرائم علیه سلامت با وضع مقررات می‌باشد تا از این طریق دامنه نظارت اجتماعی و نتیجتاً کاهش وقوع جرائم علیه سلامت را موجب شود، لذا اصل احتیاط دامنه پاسخ‌دهی را مشخص می‌سازد و می‌تواند با ترسیم دغدغه‌هایی سلامت‌مدار قانونگذار، نسبت به تأمین حمایت حداکثری از آن‌ها را سبب شود. پیاده‌سازی اصل احتیاط یک فرآیند مرحله مدار و گام به گام است که هدف از آن اقدام در جهت مدیریت نظام‌مند موضوعات مختلفی از جمله سلامت عمومی و محیط زیست می‌باشد (۶). اهمیت این اصل در حمایت از محیط زیست تا بدانجاست که در قانون تصویب تشریفات (پروتکل) حفاظت از دریای خزر در برابر آلودگی ناشی از منابع و فعالیت‌های مستقر در خشکی الحاقی به کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر مصوب ۱۳۹۴ به آن اشاره شده است. در دستورالعمل مربوط به «بهترین فنون موجود و بهترین رویه‌های زیست محیطی» (پیوست پنجم قانون فوق‌الذکر): در احراز اینکه چه ترکیبی از اقدامات به طور کلی یا در موارد خاص به منزله «بهترین رویه زیست‌محیطی» به شمار می‌آید، موارد زیر مورد توجه خاص قرار خواهد گرفت: الف - خطر زیست‌محیطی محصول و تولید، کاربرد و دفع نهایی آن...؛ ح - اصل احتیاط...». به عنوان مثال دیگر شایسته اشاره است که پروتکل ایمنی زیستی کارتاها با تکیه بر «اتخاذ تمهیدات احتیاطی» که در

چگونه باید باشد؟ بنابراین جهت‌گیری مقاله حاضر نوعی تلفیق مباحث کیفرشناختی و سیاست جنایی است و در مقام بررسی آن نوع از نظام کیفری است که با رویکرد سلامت عمومی (Public Health Approach) (۴) جامعه همخوانی داشته باشد و بتواند به پاسخ‌های کیفری جنبه پیشگیرانه و التیام‌بخش ببخشد و سلامت شهروندان جامعه را تقویت نماید. امروزه نیز این رویکرد، با شیوع کرونا و لزوم بازاندیشی در سیاست‌ها و پاسخ‌های مرتبط با رفتارهای ناقض سلامت اهمیت روزافزونی پیدا کرده است که سعی می‌شود در ابعاد مختلف بدان پرداخته شود.

روش

روش به کاررفته در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات با ابزار اسنادی کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بدین شرح که نظر به اهمیت سلامت اعضای جامعه، حقوق کیفری بایستی به رفتارهایی نیز پاسخ دهد که اصطلاحاً دارای ریسک هستند و تهدید سلامتی دیگران و وقوع نتایج زینبار ناشی از آن احتمالی است.

یافته‌ها

در مقاله حاضر ضمن اشاره به اصول، سیاست‌ها و گونه‌های پاسخ‌های کیفری به جرائم ریسک‌مدار (تهدیدات احتمالی) نسبت به سلامت، مشخص شد که حقوق کیفری به دلیل تأکید بر اصول و سیاست‌های سنتی، کماکان شرط ورود و تعیین پاسخ را همانا وقوع بالفعل صدمه دانسته است. این در حالی است که به دلیل اهمیت سلامتی اشخاص جامعه، توجه حقوق کیفری به ریسک و رفتارهای احتمالی ریسک‌مدار حائز اهمیت و باید به صورت یک مدل و با هدف تحقق ایمنی و پیشگیری در مقررات پیش‌بینی شود.

بحث

۱. اصول حاکم بر پاسخ به رفتار مخاطره‌آمیز: با نظر به مطالعات مختلف برخاسته از علوم جامعه‌شناسی و مدیریت و در راستای به کارگیری اهم مباحث آن‌ها در بُعد تعیین

اصل ۱۵ اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه به آن اشاره شده است. بر اساس این اصل وقتی احتمال بروز خطر یا خسارت غیر قابل جبرانی وجود دارد کمبود یا عدم اطلاعات علمی نباید به عنوان بهانه‌ای برای به تأخیر انداختن اقدامات جهت جلوگیری از تخریب و فرسایش محیط باشد. این پروتکل در واقع اولین سیستم قانونگذاری جامع برای اطمینان از انتقال، نگهداری و استفاده ایمن از محصولات GMO را که در نظر است در بین کشورها جابجا شوند، تنظیم نموده است. نکته بسیار مهم آن است که اصل احتیاط در جامعه مخاطره‌آمیز به عنوان اصلی‌ترین مبنای جرم‌انگاری و پیش‌بینی پاسخ‌های متناسب با رفتارهای مخاطره‌آمیز تلقی می‌شود. در قالب این اصل نقض احتیاط‌های پیش‌بینی شده در قوانین، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و نیز نقض رفتار متعارف دارای نتایج احتمالی زیانبار می‌تواند خود توجیه‌گر جرم‌انگاری جرائم به طور عام و ایجاد جرم خاصی با عنوان به خطراندازی سلامت و ایمنی دیگران در جامعه مخاطره‌آمیز باشد. در قانون مجازات اسلامی نمونه‌هایی از این جرائم مخاطره‌آمیز در قالب موجبات ضمان پیش‌بینی شده است (به عنوان مثال ماده ۴۹۸ ق.م.ا. قابل اشاره است: «هرگاه شیء‌ایی که توسط انسان یا وسیله نقلیه حمل می‌گردد، به نحوی از انحا موجب جنایت گردد، حمل‌کننده ضامن دیه است»)، اما این پیش‌بینی، اگرچه نوعی جرم‌انگاری احتیاط‌مدار و با هدف تقویت ایمنی در یک جامعه می‌باشد، اما به دلیل پیش‌بینی غیر عمدی بودن این جرائم ناکافی به نظر می‌رسد.

اصل صدمه (Harm Principle) با دغدغه‌های پدرمانه حاکم بر کیفرگذاری پیوند داشته و در عین توجه به رفتارهای مضر و دارای نتیجه، به رفتارهای احتمالاً خطرناک نیز توجه ویژه دارد. از این حیث و با توجه به اینکه ریسک معنای احتمالی بودن را دربر دارد و طرح این مفهوم در علوم مختلف مدیریت و جرم‌شناسی با دغدغه مدیریت آینده و نگرانی برای آن در جوامع مخاطره‌آمیز مطرح شده است، می‌توان این دو مفهوم را به یکدیگر پیوند داد. نکته مهم دیگر آن است که اشتراک میان توجه به ریسک در جرم‌انگاری و توجه به احتمال صدمه در آن این است که در هر دو مفهوم، احتیاط و عدم

لزوم توسل ابتدایی به جرم‌انگاری مطرح است. بر این اساس، دغدغه این است که امنیت شهروندان تأمین گردد و این هدف مذکور لزوماً جرم‌انگاری را توجیه نکرده و آن را مقدم نمی‌داند، لذا اصل احتیاط در جرم‌انگاری ریسک (۶)، به شکلی دیگر در اصل صدمه وجود دارد. در این راستا ماده ۱۴ از قانون هوای پاک مصوب مردادماه ۱۳۹۶ نیز به نحوی قابل توجه در بستر اصل جرم‌انگاری رفتارهای دارای صدمات احتمالی قابل تحلیل است. علاوه بر این، قانونگذار در پرتو اصل احتیاط، مسئولیت کیفری ناشی از بی‌احتیاطی‌های منجر به نقض سلامت جسمی را پیش‌بینی می‌کند و در کنار آن سعی خواهد کرد تا آیین‌نامه‌های رفتاری رعایت احتیاط و کاهش حداقلی مصادیق احتمالی مخاطره‌زا را موجب شود. بنابراین حقوق کیفری، اصطلاحاً احتیاط‌گرا خواهد شد و این ویژگی دامنه بسیار کلانی از جرم‌انگاری و تعیین پاسخ‌های کیفری تا پاسخ‌گذاری پیشگیرانه را شامل می‌شود.

۱-۲. لزوم عقلانیت در تدوین پاسخ‌های کیفری: عقلانیت در پاسخ‌دهی به مانند اهمیت آن در حقوق کیفری سنتی، در پاسخ‌دهی به رفتارهای ریسک‌مدار علیه سلامت نیز جایگاه ویژه‌ای دارد (۷). در این معنا، مقابله با ریسک بیش از آنکه ابزاری در خدمت دیگر اهداف نظام عدالت کیفری باشد، خود به یکی از آن اهداف تبدیل شده است. در معنای دیگر نیز عقلانیت در انتخاب مناسب‌ترین پاسخ به ریسک بزه‌کاران معنا می‌شود که هم در تعیین دامنه از سوی سیاستگذاران جنایی و هم در اعمال آن پاسخ از سوی کنشگران اجرایی و قضایی باید مد نظر قرار گیرد، البته گاهی از پایان عقلانیت در جوامع مخاطره‌آمیز سخن گفته می‌شود (۸). در این معنا، حتی مخالفان مقابله با ریسک نیز مجبور خواهند شد تا از پیشرفته‌ترین فناوری‌های ارزیابی و سنجش ریسک که در دسترس آن‌ها می‌باشد، استفاده کنند تا پیرامون ریسک بیاندیشند و بزه‌کاران و بزه‌دیدگان و همچنین نظام عدالت کیفری را در پاسخ‌های انتخاب‌شده متقاعد سازند.

مؤلفه قابل توجه دیگر آن است که کلی‌گرایی تقنینی در حوزة سلامت، اگرچه مغایر قانونگذاری دقیق است، اما گاه از نظر

مستقیم)، همگی بر اهمیت دانش‌محوری در این جامعه تأکید می‌نمایند. بر این مبنا، یک نظام عدالت کیفری بایستی با تشکیل کارگروه‌های متخصص در این حوزه‌های مختلف، به تعیین کیفرهای علمی متناسب اقدام نماید. بدیهی است که این امر باعث می‌گردد که نظام عدالت کیفری مؤثرتر ظاهر گردد و از صرف هزینه‌های بیهوده در تدابیر غیر عملی و غیر مؤثر نیز اجتناب نماید.

از جمله مصادیق مهم در این حوزه، قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶ (در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۱ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۴ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأیید شد) است، زیرا به موجب ماده ۴۱ از این قانون، «در صورتی که واحدهای تولیدی و خدماتی دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد یا تأییدیه از سازمان، اقدام به تولید کالا یا خدمات پایین‌تر از کیفیت استاندارد نمایند، موضوع در کمیسیون ماده ۴۲ این قانون تصمیم‌گیری می‌شود.» همچنین به موجب ماده ۴۲ «کمیسیونی مرکب از یکی از قضات دادگستری به انتخاب رییس قوه قضاییه، مدیرکل استاندارد استان و نماینده سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و نماینده اتاق‌های بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی، تعاون مرکزی و اصناف ایران حسب مورد تشکیل و بدواً به موارد مذکور در این قانون رسیدگی می‌کند و با ملاحظه شرایط و امکانات خاکی و دفعات تخلف در صورت احراز جرم مراتب را به مرجع قضایی ذی‌صلاح ارجاع می‌کند، در غیر این صورت با تذکر و اخطار، اقدام به اخذ تعهد، جریمه، تعطیل واحد تولیدی یا خدماتی، جمع‌آوری محصول از سطح بازار، الزام به بهسازی و اصلاح، فروش و امحای کالا می‌نماید. تصمیمات کمیسیون ظرف مدت سی روز پس از ابلاغ در مراجع قضایی ذی‌صلاح قابل اعتراض خواهد بود در غیراین صورت تصمیمات کمیسیون قطعی محسوب می‌گردد.» تخصص‌محوری و کارشناسی‌شدن آغاز فرآیند کیفری ویژگی مهمی است که در این دو ماده و نسبت به حمایت از سلامت مردم در برابر محصولات با کیفیت پایین اتخاذ شده است.

قانونگذار نوعی رویکرد عقلانی و منطقی در پوشش رفتارهای مخاطره‌آمیز احتمالی نسبت به سلامت شهروندان می‌باشد. بدین تعبیر که بر پایه اصل موازنه میان اصول آزادی فردی در برابر اصولی که از اقدامات زیانبار به افراد معین یا جامعه همچون یک کل پیشگیری می‌کند، مصادیق رفتارهای مورد نظر را جرم‌انگاری نمود. فرض پاسخ‌گذاری در جامعه مخاطره‌آمیز این‌گونه است که ولو آنکه مصادیق موضوع حقوق کیفری کلی و تفسیربردار هستند، اما این رویکرد با دغدغه حمایت از ایمنی و سلامت شهروندان توجیه می‌شود. با نگاهی به سیاهه جرائم برخی کشورها وجود برخی از جرائم را می‌توان در راستای دغدغه امنیت و تأمین آن کلی یافت. به عنوان مثال در حقوق کیفری فرانسه نیز در قانون مجازات یک فصل به عنوان در معرض خطر قراردادن افراد (La Mis en Danger des Personnes) اختصاص یافته است که در آن مواردی مانند خطرهای ایجادشده نسبت به غیر به موجب ماده ۱-۲۲۳ پیش‌بینی شده است. این نحوه از جرم‌انگاری کلی که ذیل عنوان دوم از قانون این کشور، یعنی جرائم علیه شخصیت انسان پیش‌بینی شده است، نوعی تلاش کیفری در مقابله با رفتارهای مخاطره‌آمیز می‌باشد. بدیهی است که اگرچه این کلی‌گرایی جرم‌انگاری توازنی با آزادی‌های فردی و اصول اخلاقی ندارد، اما به نظر می‌رسد که آزادی‌های فردی و معیارهای حقوق بشری نیز تا حدی نسبت به این‌گونه از جرم‌انگاری‌ها تسامح نشان می‌دهد (۹).

۱-۳. لزوم دخالت کارشناسان در حمایت کیفری از سلامت: با توجه به افزایش روزافزون انواع مختلفی از مخاطرات و ریسک‌هایی که می‌توانند ایمنی و سلامت انسان‌ها را به خطر اندازند، لذا به نظر می‌رسد که توسل حداکثری به مطالعات علمی در جهت تعیین کیفر از ضرورت قابل توجهی برخوردار باشد. همچنین این دانش‌محوری به شرط مهمی برای قانونگذاری کیفری تبدیل شده است، زیرا بسیاری از ریسک‌ها و مخاطرات تحت تأثیر پیشرفت تکنولوژی به وجود می‌آیند و تجلی تکنولوژی در تولید محصولات غذایی و دیگر رفتارهای مرتبط با سلامت انسان‌ها (به طور مستقیم یا غیر

وظایف مختلف، ضمانت اجرای ترک این اقدامات حمایتی از سلامت و پیشگیری از وقوع رفتارهای تهدیدآمیز و مخاطره‌زا تعیین نشده است، زیرا به نظر می‌رسد همین ترک اقدامات نظارتی و سامان‌دهنده در حوزه‌های مختلف مرتبط با سلامت، خود می‌توانست به عنوان جرم و دارای یک پاسخ کیفری متناسب پیش‌بینی گردد.

۲. سیاست‌های حاکم بر پاسخ به رفتار مخاطره‌آمیز علیه سلامت: از جمله ملاحظات آنکه می‌تواند جهت‌گیری و بایسته‌های پاسخ‌گذاری نسبت به رفتارهای احتمالی مخاطره‌زا را سبب شود، همانا سیاست‌هایی است که قانونگذار باید در تعیین پاسخ نسبت به رفتارهای علیه سلامت رعایت کند. سیاست‌های کلان پاسخ به رفتارهای ناقض سلامت در مواردی از قبیل لزوم رویکرد پیشگیرانه، ایمنی‌مداری در سیاست‌گذاری و اهمیت مشارکت چندنهادی در اتخاذ اقدامات حمایتی تأمین‌کننده سلامت شهروندان خلاصه می‌شوند و با اجرایی شدن چنین سیاست‌هایی می‌تواند معتقد بود که حق بر سلامت (۱۰) در جامعه تأمین خواهد شد. گمانه‌زنی‌های تبیین‌کننده وضعیت نامطلوب ایران در تأمین حق بر سلامت، ضرورت مقابله با خطرات برخاسته از تولید، توزیع، واردات بی‌رویه و عرضه محصولات مخاطره‌زا نسبت به سلامتی در انواع مختلف خوردنی، آشامیدنی و بهداشتی در ایران را دوچندان می‌سازد و نظر به اهمیت حق بر سلامت، مؤثرترین شیوه مقابله نیز سازوکارهای کیفری هستند، زیرا محصولات آرایشی بهداشتی تقلبی موجب بروز عوارض جسمی و صدمات پوستی، کبدی، ریوی و بیماری‌های مختلفی همچون آلرژی پوست، زخم‌های پوستی و حتی سرطان می‌شود. همچنین وجود مواد خطرناک فراوان در انواع مختلفی از محصولات بهداشتی و آرایشی ضرورت حمایت کیفری یا به طور کلی حقوقی از بزه‌دیدگان را مقتضی می‌نماید. به عنوان مثال می‌توان به ماده خطرناک پرابین اشاره داشت که بنا بر تحقیقات مختلف، خطرات سرطان‌زای قابل توجهی را بر سلامت انسان‌ها به بار می‌آورد. در ادامه به جنبه‌های مختلف مؤثر در ترسیم پاسخ‌های کیفری نسبت به رفتارهای مخاطره‌زا علیه سلامت انسان اشاره می‌شود.

به موجب ماده ۲ قانون ایمنی زیستی مصوب ۱۳۸۶ «کلیه امور مربوط به تولید، رهاسازی، نقل و انتقال داخلی و فرامرزی، صادرات، واردات، عرضه، خرید، فروش، مصرف و استفاده از موجودات زنده تغییر شکل‌یافته ژنتیکی با رعایت مفاد این قانون مجاز است و دولت مکلف است تمهیدات لازم را برای انجام این امور از طریق بخش‌های غیر دولتی فراهم آورد.» این در حالی است که مطابق بند «ج» ماده ۵ قانون مزبور: «مسئولیت حفاظت از سلامت انسان و بررسی ارزیابی مخاطرات احتمالی موجودات زنده تغییر شکل‌یافته‌ای که به مصرف غذای انسان می‌رسد. همچنین مسئولیت شناسایی و اتخاذ تدابیر لازم در مورد موجودات زنده‌ای که به طور مستقیم و غیر مستقیم برای انسان بیماری‌زا می‌باشد، بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد»، اما به نظر می‌رسد که هیچ ارزیابی مخاطراتی برای کشت محصولات تراریخته در کشور انجام نشده است.

مثال مهم و جدید در قانون ممنوعیت تبلیغات و معرفی محصولات و خدمات غیر مجاز و آسیب‌رسان به سلامت در رسانه‌های ارتباط جمعی داخلی و بین‌المللی و فضاهای مجازی مصوب ۱۳۹۷/۳/۲۲ قابل مشاهده است، زیرا در این قانون برخی از تدابیر کارکردی پیشگیرانه دارا هستند که در قالب آن‌ها، نوعی آگاهی‌بخشی به مردم جامعه داده می‌شود. به عنوان مثال به موجب ماده ۲ این قانون «سازمان غذا و دارو موظف است نسبت به برچسب‌گذاری... بر روی کلیه محصولات و فرآورده‌های دارویی، خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی، تجهیزات و ملزومات مصرفی و غیر مصرفی پزشکی و دندان‌پزشکی و آزمایشگاهی در حدود امکانات شناسه‌های منحصر به فرد جهت کنترل، اصالت و پیگیری محصولات اقدام کند.» تبصره ۱ این ماده نیز مقرر می‌دارد که «برچسب‌گذاری مواد و فرآورده‌های موضوع این قانون به تشخیص سازمان غذا و دارو باید به گونه‌ای تعیین شود که آثار سوء و یا مفید احتمالی آن برای مصرف‌کنندگان قابل تمیز و تشخیص باشد.» با توجه به مثال‌های فوق، ارکان مختلفی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متولی مساعدت کارشناسی و عموماً پیشگیرانه به نظام قضایی می‌باشند، اما به رغم پیش‌بینی

جرائم خود عاملی مهم برای ایجاد مقدمات سیاست واحد خواهد بود.

۲-۲. توانگیری از مرتکبان و بازدارنده بودن پاسخ‌های

کیفری: لزوم وجود همزمان دو بُعد توانگیری و بازدارندگی است که بحث مهمی در جرائم مخاطره‌آمیز نسبت به سلامت مردم مطرح می‌شود و آن این است که نوع پاسخ‌های کیفری باید به منظور عدم تکرار مجدد این‌گونه جرائم تعیین شوند، زیرا هر تکراری می‌تواند به قیمت جان‌باختن یا بیمارشدن اشخاص بسیاری در جامعه شود. بنابراین در این‌گونه رفتارهایی که جرم‌انگاری می‌شوند، نگاه و رویکرد سنتی تشدید جرم در صورت ارتکاب مجدد آن منتفی است و نوع پاسخ‌ها باید به گونه‌ای انتخاب شوند که مجال هیچ گونه تکراری فراهم نباشد. اینکه در کدام نوع از رفتارهای مخاطره‌آمیز ناظر به سلامت انسان توانگیری و بازدارندگی با چه نوع مجازاتی محقق می‌شود، خود بحث مهمی است. نکته مهم این است که توانگیری نباید تنها دغدغه قانونگذار کیفری تلقی شود، بلکه در عرض آن باید به تلاش در جهت تحقق سیاست‌هایی چون جبران مخاطرات محقق و یا مخاطرات احتمالی نیز مد نظر قرار گیرد. در مصادیق متعددی قانونگذار صرفاً بر توانگیری و بازدارندگی و حتی حذف مرتکب توجه نموده است، بی‌آنکه وصف و دغدغه‌های دیگر ملحوظ نظر باشد. به عنوان نمونه، در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و در قالب جرم افساد فی الارض، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک در صورتی که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی شود مجازات اعدام و در غیر این صورت حبس تعزیری درجه پنجم یا شش را به دنبال دارد. تأکید صرف بر توانگیری و محرومیت نداشتن حمایت از بزه‌دیدگان در هر دو نوع مجازات، به لحاظ قانونی قابل ایراد است یا در ماده ۲ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶ نیز که - در ادامه بحث می‌شود - صرفاً مجازات حبس لحاظ شده است. بنابراین چنانچه مخاطره‌آمیز بودن رفتار به وقوع یک نتیجه منتهی گردد، در این صورت ضمیمه

۱-۲. اتخاذ سیاست واحد ایمنی - پیشگیری در پاسخ‌گذاری: رفتارهای مخاطره‌آمیز گستره قابل توجهی در نقض سلامت شهروندان و محیط زیست دارند و ابعاد آن‌ها هر یک به شکلی، جنبه‌ها و مصادیقی مختلفی دارند. نقض ایمنی در قالب مصادیق مختلفی از نقش مقررات ناظر به استاندارد تا حوزه‌های نوینی چون مقررات ناظر به حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی کشور رخ می‌دهد. از این رو واحد بودن سیاست‌گذاری کیفری و غیر کیفری نسبت به هر نوع از رفتار مخاطره‌آمیز در قالب کار کارشناسی و احترام به عقانیت و اصول دیگر مقتضی است. رفتارهای مخاطره‌آمیز علیه سلامت با رفتارهای مخاطره‌آمیز علیه امنیت دامنه متفاوتی از سیاست را اقتضا می‌سازند. به عنوان مثال در رابطه با موارد خوردنی و آشامیدنی قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ و آیین‌نامه اجرایی ماده ۷، آیین‌نامه اجرایی ماده ۸ و ۹، قانون اصلاح ماده ۱۳، آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده ۱۳ که همگی ناظر به قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی هستند، از جمله مهم‌ترین متون قانونی ناظر به حمایت از سلامت مردم در برابر رویه‌های ناقض سلامت در برابر مواد خوردنی و آشامیدنی است. اولین قانونی که در مورد این جرائم مقررات مفصلی را وضع کرده است، قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی» مصوب ۱۳۴۶ است که بیش از ده عنوان مجرمانه را در این مورد مطرح ساخته است. پس از آن، در «قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی» مصوب ۱۳۶۷، فصل خاصی تحت عنوان «تعزیرات تولید، توزیع و فروش مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی» به بیان این مواد اختصاص یافته است. به طور کلی جرائم مربوط به این مواد را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: ۱- جرائم مربوط به مراحل تهیه و تولید مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی؛ ۲- جرائم مربوط به توزیع، نگهداری و فروش این مواد؛ ۳- جرائم مربوط به رقابت مکارانه در مواد خوردنی آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی. همین نوع نگرش و دسته‌بندی نسبت به این‌گونه

شدن رویکرد جبرانی به آن پاسخ کیفری ضرورت دارد، در غیر این صورت، توانگیری محض با لحاظ شرایطی مانند نوع رفتار و اتخاذ توانگیری افتراقی مورد تأکید است.

۲-۳. جبرانی بودن رویکرد حاکم در تعیین پاسخ کیفری: به نظر می‌رسد که تحقق برخی از جرائم مبتنی بر رفتارهای مخاطره‌آمیز در مصادیقی چون جرائم علیه سلامت مصرف‌کنندگان، جرائم علیه محیط زیست، جرائم هسته‌ای و از این دست وقایع تا اندازه‌ای مهم و قابل توجه هستند که باعث شده است در مطالعات حقوق کیفری بین‌المللی و نیز حقوق کیفری داخلی جنبه‌های التیام‌بخشی (Healing) و تأکید بر جبران خسارت (که شامل، بازگردانی، دریافت غرامت و توان‌بخشی است) از اولویت راهبردی برخوردار گردد. بدیهی است که این تأکید بر عدالت جبرانی (Reparative Justice)، اگرچه مصداقی از مطالعات بزه‌دیده‌شناسی می‌باشد، اما در جرائم مهم مختلفی جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده است که به نظر نگارندگان جایگاه آن در حقوق کیفری مبتنی بر پاسخ به رفتارهای مجرمانه‌ای که برای سلامت انسان مخاطره‌آمیز هستند، بسیار مهم و حیاتی می‌باشد.

مثال مهمی که خود مجال بحث مهمی را مطرح می‌سازد، ماده ۱ از قانون ممنوعیت تبلیغات و معرفی محصولات و خدمات غیر مجاز و آسیب‌رسان به سلامت در رسانه‌های ارتباط جمعی داخلی و بین‌المللی و فضاهای مجازی است که به موجب قسمت انتهایی آن، «در صورتی که به مصرف‌کننده خسارتی وارد شود علاوه بر جبران آن معادل دو تا پنج برابر خسارت وارده به عنوان جزای نقدی به مجازات مذکور اضافه می‌شود.» از این حیث قابلیت بحث دارد که اولاً جبرانی بودن باید معادل خسارت وارده باشد و یا اینکه چندین برابر آن؟ ثانیاً تعیین جبران خسارت می‌تواند زائل‌کننده جزای نقدی در حق دولت باشد؟ ثالثاً جبران چه حوزه‌هایی را می‌تواند شامل شود؟ این مباحث خود بسیار مبنایی و مقتضی تحقیقات مفصلی است، اما به طور مختصر می‌توان در رابطه با سلامت انسان‌ها اظهار نظر نمود. اولاً منطق جبران خسارت تعیین به حد خسارت وارده است و معادل بیشتر از آن باید مشمول

عنوان مشخصی باشد که در مقررات به زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول تعبیر می‌گردد (ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ش.)، گاه نیز تعبیر به هزینه‌های درمان نیز می‌تواند مستندی برای حکم به مبلغی بیش از خسارت وارده تلقی گردد، لذا اینکه مبلغ خسارت چندین برابر باشد، با این کلیت، فاقد وجهت است؛ ثانیاً به نظر می‌رسد که جزای نقدی در حالتی که حکم به جبران خسارت الزاماً صادر می‌شود، منطقی نیست، زیرا در این حالت، از یکسو اعمال حبس به همراه جزای نقدی بسیار سنگین است، از سوی دیگر داشتن خسارت ملموس نوعی جنبه خصوصی به جرم می‌دهد، به علاوه اینکه در این حالت مشکل و چالشی به وجود خواهد آمد که آیا جزای نقدی مقدم باشد یا جبران خسارت، آن هم در فرضی که اموال بزه‌کار تکافوی هر دو را نداشته باشد؛ ثالثاً نیز شاید منطقی‌تر این باشد که جبران خسارت چند برابر حوزه‌های جبران را تعیین نماید تا در این صورت بتوان آن را توجیه نمود.

اهمیت مقابله کیفری با تغییر ژنتیکی در محصولات کشاورزی از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا در ابعاد مختلف باعث ورود خسارت به انسان می‌گردد. قانون ایمنی زیستی مصوب ۱۳۸۸ نیز در ماده ۶ و در راستای ماده ۲۷ پروتکل ایمنی زیستی کارتاها به تصویب رسیده است از لزوم جبران خسارت سخن می‌گوید «در صورتی که هر یک از دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح در خصوص اقدامات اشخاص حقیقی و یا حقوقی فعال در زمینه فناوری زیستی جدید تخطی از مفاد این قانون مشاهده نمایند، مکلفند ضمن تعلیق موقت مجوز شخص خاطی، مراتب را برای رسیدگی قضایی به مرجع ذی‌صلاح قضایی ارجاع نمایند. مرجع قضایی موظف است این پرونده‌ها را در فرصت ویژه و یا فوق‌العاده رسیدگی نماید. در صورت تأیید تخلفات توسط مرجع قضایی، اگر تخلف، موجبات تضییع حقوق سایر اشخاص را فراهم نموده و یا خساراتی را به سایر اشخاص و یا زیست‌بوم وارد نموده باشد، شخص متخلف به جبران خسارات وارده محکوم شده و در صورت تکرار برای بار دوم، علاوه بر جبران خسارت به پرداخت دو برابر خسارات وارده به صورت جزای نقدی محکوم و کلیه مجوزهای صادره

خود تأکید بسیار مهمی بر توجه قانونگذار به مصادیق رفتارهای مخاطره‌آمیز ولو در قالب غیر عمدی است. در حال حاضر با توجه به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب شده و ماده ۱۶ مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی، فقط کالاهای آرایشی و بهداشتی دارای برچسب کنترل اصالت با آرم سازمان غذا و دارو مورد تأیید می‌باشند. اصلاحات متعددی که در رابطه با این مقرره‌های فوق قابل پیشنهاد است، از جمله اینکه مقیدبودن به ایجاد کراهت منظر و نقص زیبایی نمی‌تواند تنها شرط مجازات تولیدات غیر اصولی اقلام آرایشی تلقی گردد و به نظر می‌رسد که پیش‌بینی مطلق تولیدات غیر اصولی ولو اینکه به نتیجه‌ای منتهی نگردد، می‌تواند در راستای مؤلفه‌های مخاطره‌آمیز در جامعه قابل پیشنهاد باشد. به همین دلیل تفکیک موارد عدم منتهی به نتیجه از سایر موارد می‌تواند بر وظیفه مهم سازمان‌های ذی‌صلاح بر کشف اقلام مربوطه قبل از مصرف تأکید نماید.

۳. گونه‌شناسی پاسخ‌های کیفری به جرائم علیه سلامت: کنترل جامع پدیده‌های جنایی نسبت به جرائم و رفتارهای مخاطره‌زا علیه سلامت شهروندان و محیط زیست و سلامت مصرف‌کنندگان، بایستی به منظور جامعیت، گونه‌های مختلف پاسخ را در مقررات کیفری پیش‌بینی کند. در کنار پاسخ‌های کیفری با انواع مختلف سالب آزادی و کیفر مالی، پاسخ‌های اداری و اخطار مدار نیز جایگاه قابل توجهی دارد، لذا پاسخ‌گذاری غیر کیفری متناسب (۱۲) در عرض پاسخ‌های کیفری، می‌تواند سیاست جنایی ناظر به ایمنی و سلامت جامعه در ابعاد خود را تأمین نماید.

۳-۱. حبس مرتکب رفتار مخاطره‌آمیز: مجازات حبس، با کارکردهای طردکننده، محدودکننده و تلاش در جهت نوعی اصلاح و درمان بزه‌کاران، نسبت به انواع جرائم، اولین و پرکاربردترین مجازات است. از این رو جرائم علیه سلامت نیز این مجازات مورد استقبال قانونگذاران قرار گرفته است. فارغ از مباحث مختلف ناظر به کیفر حبس، از قبیل ارزیابی شدت و قطعیت آن (۱۰)، بحث مهم در اینجا این است که این کیفر به چه دلیل نسبت به جرائم علیه سلامت توجیه می‌گردد و آیا

قبلی باطل و از فعالیت‌های اجرایی وی ممانعت به عمل خواهد آمد.» بنابراین با ملاک همین مصادیق مختلف موجود ملی و فراملی، می‌توان جبران خسارت را با نگاهی به نوع رفتار مخاطره‌آمیز، بر عهده دولت‌ها یا بزه‌کاران و یا با اشتراک میان آن‌ها قرار داد. با این تعبیر که بسته به نوع ریسک‌ها و وضعیت‌های مخاطره‌آمیز، چنانچه دولت‌ها در وقوع یا تشدید آن نقش داشته باشند، جبران آن نیز بر عهده همان دولت‌ها قرار گیرد و بر شخص بزه‌کار مجازات‌های متناسب بر وی تحمیل گردد، اما در غیر این صورت، با تکلیف بر بزه‌کار وضعیت مورد نظر را مشخص نمود (۱۱).

در قالب مثال دیگر می‌توان چنین یافت که در مواردی نیز قانونگذار توجهی به جبران خسارت ننموده است و صرفاً پاسخ کیفری را مورد توجه قرار داده، در همین راستا علاوه بر ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با قاچاق این اقلام خطرزای آرایشی و بهداشتی تحت عنوان کالای ممنوع، در قالب بند چهارم از ماده ۲ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶ دیگر مصادیق مرتبط جرم‌انگاری شده‌اند. به موجب این ماده «در صورتی که مصرف مواد بهداشتی یا آرایشی موجب نقص زیبایی یا کراهت منظر شود، مجازات مرتکب با توجه به میزان نقص یا کراهت، یک تا سه سال حبس جنحه‌ای خواهد بود و در این مورد، سازنده یا تهیه‌کننده و یا مخلوط‌کننده آن با مواد خارجی، به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال محکوم خواهد شد»، البته لازم به ذکر است که به موجب ماده ۴ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ۱۳۴۶ «در هر مورد که در مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مواد سمی به حد غیر مجاز باشد، دادگاه مرتکب را بر حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم خواهد نمود.» لازم به ذکر است که در چنین جرمی، اگرچه حبس می‌تواند بازدارندگی داشته باشد، اما این پاسخ لزوماً مورد قبول شخص بزه‌دیده قرار نمی‌گیرد. در قالب ماده ۶ قانون اخیرالذکر مصادیق بی‌احتیاطی و به طور کلی رفتارهای غیر عمد نیز مشمول مجازات قرار گرفته‌اند و این امر

اساسی میان موارد احتمالی و موارد دارای نتیجه آسیب مقتضی بوده است. به علاوه اینکه حبس در مواردی که آسیب واقع می‌شود، احتمال وقوع مجدد لزوماً با حبس برطرف نمی‌گردد و در کنار اینکه چالش محاکمه مجدد برای همان رفتار و عدم امکان مجازات‌دهی را به وجود می‌آورد، بلکه دسته‌بندی مشخص مبتنی بر نتایج مد نظر نبوده است.

نکته جالب دیگر آن است که در قانون هوای پاک هیچ نامی از مجازات حبس برده نشده است، این در حالی است که مخاطره‌آمیز بودن احتمالی رفتارهای این دو قانون شباهت قابل توجهی دارند، بلکه برعکس در این قانون صرفاً از جزای نقدی و حدوداً سیزده مرتبه به آن متوسل شده است. سؤالی که پاسخ به آن بسیار مهم خواهد بود که چه منطقی باعث شده است حبس در قانون تقویت و توسعه استاندارد به رسمیت شناخته شود، اما در قانون هوای پاک، که رفتار مخاطره‌زای آن نیز کلان و گسترده است هیچ مجازات حبسی پیش‌بینی نمی‌شود و این امر کارکرد بازدارنده این قانون را با ابهام و البته حداقل می‌سازد؟

۲-۳. کیفرهای مالی و جرائم مخاطره‌آمیز علیه سلامت: یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که بایستی در مقام پاسخ به جرائم علیه سلامت مشخص گردد، این نکته می‌باشد که قانونگذار باید چه رویکردی را نسبت به جزای نقدی در جرائم علیه سلامت اتخاذ نماید و بتواند به موجب آن جامع بودن رویکرد خود را تضمین سازد. به طور کلی از جمله مجازات‌های مالی، جزای نقدی، ضبط و مصادره اموال و امحای اموال ناشی از جرم متضمن خطر برای سلامت انسان‌هاست. در این قالب به نظر می‌رسد که تلاش مجازات‌های مالی نوعی اعاده وضع به حالت سابقی است که در آن جرم علیه سلامت وجود ندارد. علاوه بر این، مجازات‌های مالی نوعی جبران خسارت جامعه نیز می‌باشد و در مواردی که خسارتی به شخص خاصی وارد نشده باشد، این مجازات‌ها می‌توانند موضوعیت پیدا کنند، لذا با توجه به اهداف این مجازات‌ها، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مجازات در این جرائم را همین مجازات‌های مالی تشکیل می‌دهند و عدول از آن‌ها نیازمند توجیه و دلیل خواهد بود.

باید در تمام این‌گونه جرائم از کیفر حبس استفاده نمود یا خیر؟ یا اینکه این مجازات در چه مصادیقی می‌تواند در جمع با سایر مجازات‌های ناظر به جرائم علیه سلامت به کار رود و در چه موارد باید تنها مجازات این جرائم باشد؟ لذا بحث معیار مدار در این قسمت و تحلیل برخی از مقررات مرتبط در این قسمت مورد نظر است. از جمله معیارهای مهم تعیین این امر است که مجازات‌های ارفاق‌آمیز در رابطه با حبس این جرائم علیه سلامت قابلیت کاربرد دارد یا خیر؟ در راستای این مصادیق گسترش‌یافته رفتارهای غیر عمدی سیاست کیفری قضایی ایران عموماً جهت‌دهی مبتنی بر عفو و سیاست‌های کیفری ارفاق‌آمیز را نسبت به این جرائم پیشه ساخته است، این در حالی است که به نظر می‌رسد این رفتارهای نتایج زیانبارتری را در مقایسه با جرائم عمدی به دنبال دارند.

در قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ وقوع رفتارهای مقرر در ماده ۱ را چنانچه به نتایج مختلف مقرر در ماده ۲ منتهی گردد، دارای مجازات حبس تأدیبی دانسته است، لذا با توجه به تبصره ماده ۲ این قانون، کیفر حبس مجازات اصلی تمام مصادیق مجرمانه تلقی شده است. سلب آزادی در ماده ۱ قانون ممنوعیت تبلیغات کالاهای آسیب‌رسان مصوب ۱۳۹۷ آن هم نسبت به ارائه اطلاعات نادرست مؤثر در مصرف کالاهای مختلف دارای احتمال آسیب خود از مباحث مهمی دیگری در منطق توزیع حبس نسبت به رفتارهایی مخاطره‌آمیز حکایت می‌کند (۱).

در بُعدی دیگر می‌توان قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶ را از منظر استفاده شدید از حبس مورد ارزیابی قرار داد. در این قانون حدود دوازده مرتبه از حبس استفاده می‌شود، این در حالی است که عمدتاً در کنار اکثر این موارد حبس جزای نقدی و یا امکان جمع میان هر دو به رسمیت شناخته شده است. این در حالی است که قانونگذار در موارد وقوع خسارت و آسیب، همان منطق پیش‌بینی حبس با یک درجه شدیدتر و البته در مواردی معادل همان حبس برای موارد احتمالی را پیش‌بینی می‌کند. از یکسو که باید با نگاهی به سیاست‌های حبس‌زدایی چرایی توسل به کیفر حبس توجیه گردد، از سوی دیگر به نظر می‌رسد که عدم تمایز

نکته دیگر اینکه با توجه به افزایش جرم‌انگاری جرائم قراردادی در جوامع مخاطره‌آمیز، از همین رو بسیاری از قوانین متضمن جرائم قراردادی درصدد ترمیم و جبران خسارات هستند، برمی‌آیند و حقوق کیفری مخاطره‌آمیز در قالب توجه به بُعد جبران خسارت تشکیل می‌گردد. لازم به ذکر است که قوانین جبرانی، در حوزه‌های مختلفی از جمله حقوق کیفری مصرف‌کنندگان، حقوق کیفری محیط زیست و... در راستای کاهش تألمات بزه‌دیدگان برمی‌آیند. این امر در حقوق کیفری ایران واجد مصادیقی است که در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو ۱۳۸۶، به ویژه در آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو در فروردین ۱۳۹۵ واجد جایگاه است، اما به نظر می‌رسد که پراکندگی تقنینی در این خصوص نتواند آن جبران خسارت افتراقی مورد نظر در قبال جرائم در جامعه مخاطره‌آمیز را تأمین نماید، به علاوه اینکه بسیاری از حوزه‌هایی که بی‌شک دارای بزه‌دیدگان متعددی می‌باشد خود کماکان در خلأ تقنینی و یا بی‌تفاوتی عملی سیاست‌های قضایی، اجرایی (از جمله بیمه‌ها) رنج می‌برد.

به عنوان مثال به موجب ماده ۱۴ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ «در مواردی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشی از مراکز صنعتی، تولیدی، معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی به تشخیص سازمان فقط از طریق انتقال تمام یا بخشی از خطوط تولید یا تأسیسات یا اماکن آن‌ها به نقاط مناسب امکان‌پذیر می‌باشد و یا فعالیت مراکز مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیندازد، مالکان و مدیران واحد موظفند در مهلت تعیین‌شده در طرح انتقال، نسبت به انتقال واحد مربوطه اقدام کنند. مستنکف از مفاد این ماده به پرداخت جزای نقدی معادل ۳ درصد درآمد سالانه ناخالص همان واحد محکوم می‌شود.» این ماده یکی از مترقی‌ترین رویکردهای قانونگذار با نشان می‌دهد که به موجب آن، رفتار مخاطره‌آمیزی که هنوز نتیجه‌ای مبنی بر خسارت به جای نگذارده است، موضوع جزای نقدی قرار می‌گیرد و این تنها مجازات این رفتار در کنار انتقال خواهد بود. از طرفی نشانگر

این است که عمده جرائم علیه سلامت از سوی شرکت‌ها ارتکاب می‌یابد و در راستای مجازات آن‌ها باید سیاست منطقی و قابل قبولی اتخاذ کرد و نه تنها ضرورت توجه همه‌جانبه به مصادیق رفتارهای مخاطره‌آمیز شرکتی را توجیه می‌سازد، بلکه علاوه بر آن لازم است که در این راستا به شکلی جامع، تمام مصادیقی که شرکت‌ها در دامن‌زدن به آن‌ها مؤثر هستند، مد نظر قرار گیرند، مضافاً مباحث فنی دیگری قابل طرح است، از جمله اینکه این جزای نقدی چه میزان باشد و چرا در ماده اخیرالذکر سه درصد تعیین شده است، نیازمند بحث مفصل است و تنها نکته قابل اشاره این است که در سایر مصادیق دیگر نیز باید رویکرد یکسانی اتخاذ شود. نکته دیگر این است که جزای نقدی دریافتی باید سرنوشت مشخصی داشته باشد و از آن در جهت جبران خسارت‌های آینده بزه‌دیدگان آن منطقه و یا دیگر آسیب‌های احتمالی به کار رود. بحث دیگر امکان همکاری بیمه‌ها در این مجازات‌ها است. این نکته می‌تواند چالش‌های مختلفی را در قالب اصل شخصی بودن مجازات ایجاد کند، اما مختصر آنکه به دلیل اهمیت سلامت انسان‌ها ورود مشروط بیمه‌ها و مشخص بودن دامنه مسئولیت در قراردادهای بیمه، از جمله مقدمات مهم در این بحث قلمداد می‌گردد.

برخی دیگر از مقررات مرتبط با رفتارهای مخاطره‌آمیز احتمالی به لحاظ پاسخ‌گذاری رویکردهای نوینی را در نحوه پیش‌بینی جزای نقدی اتخاذ نموده‌اند. ضمیمه شدن جزای نقدی در صورت تحقق خسارت از تبلیغات در ماده ۱ قانون ممنوعیت تبلیغات کالاهای آسیب‌رسان مصوب ۱۳۹۷ می‌تواند الهام‌بخش جهت‌گیری بسیار قابل توجه قانونگذار در توسل به جزای نقدی باشد، لذا وقوع خسارت از یکسو عاملی برای درآمد دولت است، حال آنکه تا چه میزان چنین درآمدهایی در پاسخ‌های پیشگیرانه به تبلیغات احتمالاً مضر دیگر در آینده مصرف می‌گردد، جایگاهی مهم در پاسخ‌دهی به جرائم مبتنی بر رفتار احتمالی مخاطره‌آمیز دارد. در ماده ۹ قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ به تفکیک تکالیف سه‌گانه برای نهادهای وزارت بهداشت، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان ملی

استاندارد در جهت حفظ حاصلخیزی خاک مقرر نموده است. در نهایت به موجب تبصره این ماده «عدم رعایت دستورالعمل‌ها و مقررات این ماده جرم دانسته شده است و جبران خسارت و جزای نقدی معادل دو برابر ارزش کالا تعیین شده است. در بند «ج» از ماده داشتن تهدید برای سلامت انسان در صورت عدم عیانت تکالیف مقرر برای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳)، از جمله این رفتارهای موضوع این مجازات‌ها خواهد بود. در این قانون جزای نقدی به عنوان ضمانت اجرایی برای عدم جبران خسارت تعیین شده است. به تعبیر دیگر در مواردی که شخص موظف به جبران است، این جبران گویی محکومیت غیر کیفری تلقی شده است که عدم اقدام برای آن خود باعث توسل به جزای نقدی و جبران خسارت می‌شود.

۳-۳. پاسخ‌های اداری و اخطارمدار: گاهی در کنار مجازات‌های مختلف، اتخاذ برخی از دستورهای ماهیتاً اداری و گاه اخطارگونه تواند با رفتارهایی که سلامت شهروندان را تهدید می‌کند تناسب بیشتری پیدا کند، زیرا اولاً ادامه فعالیت مخاطره‌آمیز را متوقف و معلق می‌سازد؛ ثانیاً اصلاح رفتارها و کاهش وقوع آن‌ها را در پی دارد. همچنین نسبت به امحای آثار به وجودآمده به مدد دستور اداری اقدام ویژه به عمل آید. به عنوان مثال در ماده ۱۴ از قانون هوای پاک اقدام نسبت به انتقال واحد مربوطه یک اقدام و پاسخ اداری است. مثال دیگر اقداماتی است که کمیسیون ماده ۴۲ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد اتخاذ می‌نماید که نقش قابل توجهی در کاهش مخاطرات نسبت به سلامت انسان دارد. تعطیل واحد تولیدی یا خدماتی، جمع‌آوری محصول از سطح بازار، الزام به بهسازی و اصلاح، فروش و امحای کالا، از جمله مصداق پاسخ‌های اداری تلقی می‌شوند. در همین جا لازم به اشاره است که دستورها و اقدامات اداری می‌توانند خود عامل پیشگیرانه‌ای باشند و قبل از وقوع جرم و به مدد برخی از استانداردها رخ دهند. به عنوان مثال در صنعت تولید مواد غذایی رشد چشم‌گیری پیدا کرده و است و در قالب تقویت ایمنی در هر کدام از این تولیدات، مواد مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نبود آن‌ها، کیفیت پایین آن‌ها و یا حتی میزان غیر استاندارد در آن‌ها، خطرات

بسیار بالایی را برای سلامت مردم جامعه به وجود می‌آورند، لذا اعلام سریع شرکت‌های تولیدکننده مواد غذایی و جمع‌آوری تولیدات آسیب‌رسان از سطح بازار یک اقدام اداری انتظامی محسوب می‌شود. از همین رو مقابله قانونی قاطعانه، فنی و جامع با این پدیده‌ها بسیار لازم و فقدان آن جامعه حال حاضر را پرخطر خواهد ساخت. به عنوان مثال قوانین ایالات متحده برای اطمینان از ایمنی غذاهای کنسرو شده تحولات و توجهات بسیار ارزنده‌ای داشته است. در سال ۱۹۸۲، سازمان نظارت بر مواد غذایی و دارویی ایالات متحده (USFDA) قوانینی را مبنی بر الزام ثبت واحدهای فراوری مواد غذایی که محصولات با اسیدپایه پایین را در ظروف دربسته غیر قابل نفوذ بسته‌بندی می‌کنند، تنظیم کرد. این واحدها ملزم شدند تا فرایندهای حرارتی محصولات را بر اساس برنامه تعیین‌شده توسط سازمان نظارت بر مواد غذایی و دارویی ایالات متحده برای این دسته از مواد غذایی، قبل از عرضه در بازار برای فروش و مصرف اجرا نمایند. این قوانین برای تولیدکنندگان در ایالات متحده و کشورهایی که محصولاتشان را در بازارهای ایالات متحده به فروش می‌رسانند.

ماده ۱۲ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ مصداق قبل توجهی از پاسخ‌های شفاهی اخطارمحور و الزام‌آور را دربر دارد. به موجب این ماده «هرگاه بهداری به وجود کسی که مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر است، اطلاع یافت می‌تواند به وسائل مقتضی بازجویی کند که بیمار مشغول درمان می‌باشد یا نه و در صورت لزوم اخطار لازم بنماید تا اگر بیمار در ظرف مهلت مقرر به درمان نپرداخت او را الزام به درمان نماید.» این رفتار جایگاه قابل توجهی در جامعه کنونی مملو از بیماری خطرناک دارد و به نظر می‌رسد که می‌توان به شکل نوینی اقدام به پیش‌بینی آن در ضمن رفتارهای احتمالی مخاطره‌آمیز و وضع مجازات‌های نظام‌مند و نظارت صحیح بر اجرای این ضمانت اجراها دارد، زیرا به رغم وجود الزام و اخطار در این ماده، تخلف از آن پاسخ شفاهی مشخص نشده است و به همین دلیل می‌توان این نحو از پیش‌بینی ضمانت اجرا را نامطلوب و غیر مؤثر دانست.

نتیجه‌گیری

تولید کلان و پراکنده ریسک‌ها و زیان‌آوردن در میان طیفی از حوزه‌ها همانند سلامت، محیط زیست و ایمنی در مفهوم عام و همچنین در نهایت کلان‌بودن ریسک‌های علیه سلامت انسان‌ها، نگرش مهمی است که می‌تواند پاسخ‌های کیفری را تحت تأثیر قرار داده و قانونگذاران حقوق کیفری سلامت‌مدار را به تدوین پاسخ‌های جامع آن‌ها رهنمون سازد. در نهایت حقوق کیفری می‌تواند با وضع پاسخ‌های اصولی عاملی باشد که در عین تقویت شاخص‌هایی همانند امید به زندگی، سلامتی و کاهش نرخ‌های مرگ و میر، جامعه ایرانی را به مکانی نسبتاً ایمن و امن برای زندگی تبدیل نماید. در راستای این اهداف ارزشمند، ممکن است که قانونگذار در تعیین کیفرهای متناسب به خطر برود و از این حیث، در پیاده‌سازی نوع کیفرهای افتراقی با چالش‌های مختلفی رو به رو گردد، لذا با توجه اهمیت روزافزون جرائم علیه سلامت انسان و اینکه قانونگذار اقبال روزافزون به توصیف قوانین مربوطه پیدا کرده است، می‌توان بحث بایسته‌های مهم ناظر به تعیین پاسخ کیفری را بسیار مهم یافت. در این قالب، اصول مهمی چون اصل احتیاط نوعی جهت‌گیری مشخص برای تعیین کیفرهای مرتبط ایجاد می‌کنند و از این حیث، پاسخ‌های کیفری نیز درصدد هستند که با ایجاد بازدارندگی و کاهش تکرار جرائم علیه سلامت انسان، باعث اعاده وضع به حالت سابق شده و به نوعی جبران‌کننده نیز ظاهر شوند، ولی تصویب روزافزون قوانین مرتبط نباید سیاست متشتتی را برای قانونگذار در پی داشته باشد و نوع پاسخ‌ها بدون توجه به مطالعات کارشناسی شده و توجه به عقلانیت محوری تعیین گردند. از این رو به نظر می‌رسد که ترسیم راهبرد قانونی مشخص نسبت به جرائم علیه سلامت انسان در ابعاد مختلف ضرورت دارد که این راهبرد در اصول ذیل بیان می‌گردند:

اصل اول: اساساً هدف از تعیین کیفر برای جرایم علیه سلامت انسان باید جبران خسارت‌های به وجودآمده باشد، لذا دیگر مجازات حبس اولین مجازات قابل اعمال نیست. التیام‌بخشی و

جبران خسارت در حالتی که خسارتی به وجود می‌آید، هدف اول است.

اصل دوم: در موارد عدم تحقق خسارت، مجازات اصلی و ابتدایی میان حبس و جزای نقدی مختلف است و گاهی نیز مشترک اعمال می‌شوند. به این تعبیر که اگر رفتار مجرمانه مخاطره‌آمیز هنوز خسارتی به دنبال نداشته است، وصول جزای نقدی برای خسارت‌های احتمالی آینده لازم است. در این حالت شدت مخاطره‌آمیزبودن رفتار می‌تواند توجیه‌کننده مجازات حبس باشد، اما اگر رفتار به نحوی باشد که نه خسارتی دارد و نه در آینده ممکن است خسارتی را در پی داشته باشد، به نظر می‌رسد تأکید بر حبس به شرط مخاطره‌آمیزبودن رفتار قابل پیشنهاد باشد.

اصل سوم: در تمام مصادیق مرتبط، پاسخ‌های اداری - انتظامی باید ضمیمه شوند. این پاسخ که به اتخاذ دستورهای اداری نسبت به این جرائم تعبیر می‌شوند، باید به سرعت انجام شوند و نظام قضایی - اداری پاسخ‌دهنده نباید کوتاهی کنند.

مشارکت نویسندگان

امیر ایرانی: ارائه ایده و موضوع و تعیین عنوان، تدوین مقاله، جمع‌آوری مطالب و منابع و تدوین فهرست.
هدیه غلامرضایی آزاد: ویرایش مقاله و تکمیل منابع.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Irani A. Criminalization and Response to Risky Behavior. Ph.D. Thesis in Criminal Law and Criminology. Shiraz: Shiraz University; 2020. [Persian]
2. Foroughi F, Irani A. Critical Recognition of Developments in the Elements of Dangerous Criminal Behaviors. *Quarterly Journal of Environmental Risk Management*. 2019; 5(2): 124-145. [Persian]
3. Tavakoli AR, Haghshenas MR. Crimes against Public Health from the Perspective of Contemporary Jurisprudence and Criminal Law with Emphasis on the Crime of Fraud in Foodstuffs. *Symmetric Jurisprudence*. 2014; 2(3): 13-28. [Persian]
4. Kemshall H, Wood J. Beyond Public Protection: An Examination of Community Protection and Public Health Approaches to High-Risk Offenders'. *Criminology & Criminal Justice*. 2007; 7: 203-225.
5. Seyghal Y. Legal-Criminological Study of Crime in Dangerous Society. Ph.D. Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: Shahid Beheshti University, Faculty of Law; 2018. [Persian]
6. Deville A, Harding R. Applying the Precautionary Principle. Cambridge: Federation Press; 1997.
7. Nobahar R, Sighel Y. Characteristics and Strategies of Risk-Oriented Punishment. *Legal Journal of Justice*. 2017; 2(100): 87-104. [Persian]
8. Simester AP, Von Hirsch A. Remote Harms and Nonconstitutive Crimes. *Criminal Justice Ethics*. 2009; 4(28): 23-34.
9. Calais Auloy J, Temple H. Consumer Law. Translated by Adib M. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing; 2014.
10. Ashouri M, Sabooripour M. Comparison of the effect of severity and certainty of imprisonment on its deterrence. *Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Studies*. 2015; 2(2-3): 47-60. [Persian]
11. Samavati Pirooz A. Critique of Biosafety Law with Emphasis on Criminal Law Approaches. *Quarterly Journal of Medical Law*. 2010; 4(12): 8-23. [Persian]
12. Ghorbani Qajloo M, Koosha J. Iran's Criminal Policy against Food Security Threatening Behaviors: A Study of Delinquency and Administrative-Disciplinary Response in the Food Supply Chain. *Iranian Journal of Food Science and Technology*. 2017; 5(71): 54-70. [Persian]
13. Elahi Manesh MR. Criminal Law and Medical Violations. 1st ed. Tehran: Majd Publications; 2010. p.85-89. [Persian]